info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۰۶
سه‌شنبه / ۲۳ بهمن / ۱۴۰۳
۱۲ / شعبان / ۱۴۴۶
11 / February / 2025

صاحب‌امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۴۴۳-۳۲۵۳۴۲۸۳ -۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

خواندنی

امروز با حافظ
رقصیدن سرو و حالت گُل

بی‌صوتِ هَزار خوش نباشد
با یارِ شکرلبِ گل‌اندام

بی‌بوس و کنار خوش نباشد

خواندنی

باغبان در چشم من عکس
رخ و زلف تو دید
لاله و سنبل نشاند اطراف
جوی خویش را

جامی

اذان شرعی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۰	۰۶:۵۶	۱۲:۲۱	۱۷:۴۴	۱۸:۰۳

برگه

برای این که بتوانیم در مورد زندگی بنویسیم ابتدا باید آن را زندگی کنیم...

ارنست همینگوی

گزارش روز

اگر امام نبود

«کاناما را می‌خواهم، گریتلند را می‌خواهم، پاناما را می‌خواهم، مکزیک را می‌خواهم، می‌خواهم غزه را الاس‌وگاس، دادگاه لاهه را به بی‌دادگاه می‌برم، محیط‌زیست به من چه ربطی دارد؟» ترامپ، هم در حال پایان دادن به نظم‌های بین‌المللی است که خوب یا بد بعضاً در شرایط ساچتگ تشکیل شده‌اند و هم رسماً از کشورگشایی حرف می‌زند و می‌خواهد جهان را برتاب کند به ۵۰۰ سال قبل که عده‌ای سوار بر کشتی سرزمین‌های دورست را فتح و استعمار و استثمار می‌کردند به دوره کریستوف کلمب و قلعه برتقال‌ها.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، اوضاع این روزهای دنیا را نگاه کنید. تصویری که ملاک رئیس‌جمهور جدید آمریکا در حال ساختن آن است یادآور بازگشت به دوران استعمار کهنه است: کاناما را می‌خواهم، گریتلند را می‌خواهم، پاناما را می‌خواهم، مکزیک را می‌خواهم، می‌خواهم غزه را الاس‌وگاس کنم، از سازمان بهداشت جهانی خارج می‌شوم، دادگاه لاهه را به بی‌دادگاه می‌برم، محیط‌زیست به من چه ربطی دارد؟ او، هم در حال پایان دادن به نظم‌های بین‌المللی است که خوب یا بد بعضاً در شرایط ساچتگ تشکیل شده‌اند و هم رسماً از کشورگشایی حرف می‌زند و می‌خواهد جهان را برتاب کند به ۵۰۰ سال قبل که عده‌ای سوار بر کشتی سرزمین‌های دورست را فتح و استعمار و استثمار می‌کردند به دوره کریستوف کلمب و قلعه برتقال‌ها. اما آیا این روند مختص دیوانه‌نمایی چون ترامپ است؟ خیر، دولت قبلی آمریکا هم که با شعارهایی چون حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها و حفظ محیط زیست و... بر سر کار آمد، در عرض یک سال رسماً شده بود کارفرمای یکی از بزرگ‌ترین فجایع تاریخ بایدن و نتانیاهو در ۱۵ ماه رسماً دست هیتلر را پشت بستند و دوبرابر کل جنگ جهانی دوم بمب بر سر مردم غزه ریختند. بیش از ۵۰ هزار کشته در فلسطین که حداقل یک‌سوم آن‌ها کودک بودند، نعش‌ها یا چرخ‌نیز دولت دموکرات آمریکا بلکه با یمان‌داری آن‌ها انجام شد.

سال‌ها قبل گرامشی در تحلیل بقا و استمرار نظام سرمایه‌داری و عدم وقوع انقلاب‌های سوسیالیستی به دلایل غیراقتصادی متوسل می‌شود و روی نقش روبنا و فرهنگ تأکید می‌کند. او این ایده‌اش را در قالب مفهوم هژمونی بازتعریف می‌کند. گرامشی هژمونی را به یک محتاط همان سلطه می‌داند که با ابزار نرم‌افزاری تحمیل شده که همان سلطه است اما ممکن است طرف مقابل هیچ حس منفی‌ای نسبت به آن نداشته باشد. هژمون یعنی سلطه با کلامی؛ به طور طبیعی هرچه قدرت نرم یک کشور بیشتر باشد امکان بیشتری برای هژمون شدن دارد و هرچه قدرت نرم کاهش یابد، طرف سلطه‌گر مجبور می‌شود برای در قدرت ماندن بیشتر از ابزارهای سخت استفاده کند.

موضوع هژمونی برای ایده غرب و در رأس آن ایالات متحده سال‌ها موضوعیت داشت و برای آن هم نظریه‌پردازی شده و هم ساختارهای متعدد فرهنگی، هنری، رسانه‌ای شکل گرفته است که کمویش هنوز هم پابرجاست و کار می‌کند. اما چرا غرب مجبور است در اتفاقات این سال‌های اخیر قید هژمونی و قدرت نرم را به طور نسبی بزند و هزینه آسیب دیدن آن را بپذیرد یا شد؟

گرامشی در تقریر ایده هژمونی، تکمله‌ای هم دارد و می‌گوید در هر تلاشی برای هژمونیک کردن یک ایده‌ایده مقاومتی شدآن جریان هم شکل می‌گیرد. سال‌ها لیبرال‌ها فرض می‌کردند که ایده مقاومتی ضدهژمون آن‌ها مارکسیسم است. دیوان جنگ‌سرد و کشمکش‌های سخت و نرم آن دوران یادآور این فهم تئوریک از مسئله بود. سال‌هایی که غرب تلاش کرد از مسیر کلایی‌سازی رسانه و فرهنگ در روبنا کار مارکسیسم را تمام کند و باید گفت نسبتاً هم در این امر موفق بود.

اما چرا حالا و در سال ۲۰۲۵ و سی‌وچند سال پس از فروپاشی شوروی، غربی‌ها پرده برانداختند؟ چرا در ماجرایی متل فلسطین به یکباره ایده هژمونی به آخر خط می‌رسد؟

سیدروح‌الله خمینی وقتی در بهمن ۵۷ برای بنا کردن نظمی جدید با حمایت قاطع جمهور مردم پای به تهران گذاشت، چند ایده نو به میدان آورد. اول، مردم‌سالاری دینی به عنوان گرانیگاه حفظ جمهوریت و اسلامیت نظام نوپا و دوم، ایده احیای مسئله فلسطین به عنوان موتور پیشران برای جوشش اسلام‌گرایان خمود آن زمان. انقلاب اسلامی و امام با این دو ایده در نظر و عمل، بازی دوقطبی شرق و غرب را به چالش کشیدند. امام از یکسوار عقلانی سخن می‌گفت که خلأ لیبرالیسم بود و با برابری ماتریالیستی چپ در جهان‌بینی و الهیات تفاوت ماهوی داشت. از سوی دیگر از همان روز نخست پای دموکراسی دینی ایستاد. طرحی که دموکراتیک‌بودنش، پانتئیسم‌تمثیل گفتمان چپ بود و اسلامی‌بودنش، وجه ممیزه با دموکراسی‌های کلایی‌سازی شده غربی. در منطقه‌ای که آمریکا برای سرسبز کاشتن باید به دنبال دیکتاتوری است یا پیگیر آتاتورکیسم، در انداختن طرحی نو یک ضربه کاری و مصداق تعبیر والرینه یک رویا برای آن‌ها بود.

در بعد فراملی هم، به‌هم زدن کمپین فراموشی فلسطین که با کمپ‌دیویدها در حال انجام بود، گفتمانی نو پدید آورد که تا همتر اکتیر امتداد داشت و دارد. امروز به جرئت می‌توان گفت اگر امام و امت انقلابی ۵۷ نبودند، پروژه آمریکایی-صهیونیستی انسان‌زدایی در منطقه سال‌ها قبل پیروز شده بود و همه پروژه‌های صهیونیست‌ها از جمله تجزیه قدرت‌های منطقه‌ای متل ایران محقق شده بود.

حضرت روح‌الله نرم‌افزاری را در سال ۵۷ به منطقه آورد که تنها مطحیاتی غیرمتعارف را دچار چالش جدی کرد و خلف صالح او تا امروز، هم آن نرم‌افزار را حفظ کرده و ارتقا داده است و هم مناطق سخت‌افزاری آن را در حد وسع فراهم آورده و غرب را به نقطه‌ای رسانده که مجبور است به دوران استعمار کهنه ارتجاع کند و هژمونی را فراموش کند و ساز سلطه را کوک کند.

اشاره

صعودهای ناتمام

کوهستان قواعد خاص خودش را دارد و نمی‌توان با قله دماوند یا قله توچال و حتی قلل کوچکتر به سادگی سرخاتم شد. برای صعود بخصوص در زمستان باید زبان کوهستان را بلد باشیم. شناخت قواعد، تجربه، آمادگی جسمانی، تجهیزات مردونیاز، تغذیه مناسب و مداوم، تمرین و ممارست مداوم و خوب زیرنظر مربیان و سرپرستان کوهنوردی که سال‌ها صعود موفق داشته‌اند از الزاماتی است که بتوان در طبیعت بخصوص فصل زمستان یک صعود موفق را ثبت کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، اواخر دی‌ماه بود که دو رسید احسان کسرایی، کوهنورد کرجی که به قصد صعود افغانداری به قله دماوند رفته بود، نادیده شده است. او مسیر جنوبی را برای صعود انتخاب کرد، بود. اما این مسیر برای او بازگشتی نداشت. به گفته رضا زارعی، رئیس فدراسیون کوهنوردی، احسان یک شب در قرارگاه سوم دماوند استقرار داشت و صبح برای صعود رفت و اولزام خود را جا گذاشت. چند کوهنورد با تاریک شدن هوا او را زیر قله دیده بودند و چندین بار تذکر دادند تا برگردد اما او با گفتن این جمله که منطقه را خوب می‌شناسد، همراه آنها برنگشت. حالا خانواده این کوهنورد با سابقه سیاهپوش شده‌اند ولی هنوز مطمئن نیستند عزیزشان را از دست داده‌اند. آنها نمی‌خواهند بپذیرند که او در برف و سرمای دماوند از دست رفته است و همچنان منتظر اخبار خوش و نشانه‌ای از زندگی از او هستند تا به خانه بیاید. دوستان این کوهنورد هم حال خوشی ندارند و می‌گویند نمی‌دانند چه بر سر رفیق دیرینه‌شان آمده است. این اولین‌باری نیست که کوهنوردان دل به کوه می‌زنند و گرفتار باد شدید کولاک، خستگی و گرسنگی می‌شوند و ناگهان مرگشان در دل کوهستان نواخته می‌شود. برخی از آنها برای همیشه در قله‌های بلند مدفون می‌شوند و برخی دیگر هم پیکرشان از کوهستان خارج می‌شود. بسیاری از آنها خوشحال از کوهنورد حرفه‌ای معرفی می‌کردند. درحالی که در کوهنوردی و در ادبیات کوهنوردان بسابقه اصطلاح حرفه‌ای معنا ندارد.

اصطلاح مرگبار

مهدی عباسی یکی از عاشقان کوهستان است و سال‌هاست به شکل حرفه‌ای کوهنوردی می‌کند او معتقد است اصطلاح «کوهنورد حرفه‌ای» اصطلاح درستی نیست و همین کلمه جان بسیاری از کوهنوردان را به خطر انداخته است. عباسی به «ایران» می‌گوید: «چند حرفه‌ای» در رشته ورزشی مختص کسی است که در آن رشته مدام فعالیت می‌کند و معیشت و ارتزاقش از آن راه است. مثل فوتبال، بسکتبال و والیبال. اما در کوهنوردی رشته مطرح نیست. کوهنوردان قواعد خاص خودشان را دارند و نمی‌توان با قله دماوند یا قله توچال و حتی قلل کوچکتر به سادگی سرخاتم شد. برای صعود بخصوص در زمستان باید زبان کوهستان را بلد باشیم. شناخت قواعد، تجربه، آمادگی جسمانی، تجهیزات مردونیاز، تغذیه مناسب و مداوم، تمرین و ممارست مداوم و خوب زیرنظر مربیان و سرپرستان کوهنوردی که سال‌ها صعود موفق داشته‌اند، از الزاماتی است که بتوان در طبیعت بخصوص فصل زمستان یک صعود موفق را ثبت کرد. عباسی با بیان اینکه صعود افغاندی بخصوص در زمستان از پایه کاملاً اشتباه است می‌افزاید: «انسان هر اندازه هم توانایی داشته باشد، در کوهستان گاهی ناتوان می‌شود. در کوهستان تجربه عملکرد و دانشی که از قبل به دست آورده‌ایم را باید به کار بگیریم تا از خطر مرگ نجات پیدا کنیم» او می‌افزاید: «فضای مجازی نیز در صعودهای مرگبار نقش دارد. این فضا جایی برای نمایش و شواف شده است. تصور دیده شدن و کری خواندن برای اثبات کردن خود، از فلسفه کوهنوردی به دور است که عالیت آن مرگ تلخ در کوهستان خواهد بود. متأسفانه برخی گروه‌ها در فضای مجازی بزرگ‌نمایی می‌کنند و کسانی که به عشق کوهنوردی در چند برنامه با آنها همراه می‌شوند تصور می‌کنند توانایی لازم برای صعود را پیدا کرده‌اند. به همین دلیل برای نشان دادن و شواف قله‌ای را انتخاب می‌کنند که شرایط یا چتکل تشکیل شده‌اند و هم رسماً از کشورگشایی حرف می‌زند و می‌خواهد جهان را برتاب کند به ۵۰۰ سال قبل که عده‌ای سوار بر کشتی سرزمین‌های دورست را فتح و استعمار و استثمار می‌کردند به دوره کریستوف کلمب و قلعه برتقال‌ها. اما آیا این روند مختص دیوانه‌نمایی چون ترامپ است؟ خیر، دولت قبلی آمریکا هم که با شعارهایی چون حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها و حفظ محیط زیست و... بر سر کار آمد، در عرض یک سال رسماً شده بود کارفرمای یکی از بزرگ‌ترین فجایع تاریخ بایدن و نتانیاهو در ۱۵ ماه رسماً دست هیتلر را پشت بستند و دوبرابر کل جنگ جهانی دوم بمب بر سر مردم غزه ریختند. بیش از ۵۰ هزار کشته در فلسطین که حداقل یک‌سوم آن‌ها کودک بودند، نعش‌ها یا چرخ‌نیز دولت دموکرات آمریکا بلکه با یمان‌داری آن‌ها انجام شد.

سال‌ها قبل گرامشی در تحلیل بقا و استمرار نظام سرمایه‌داری و عدم وقوع انقلاب‌های سوسیالیستی به دلایل غیراقتصادی متوسل می‌شود و روی نقش روبنا و فرهنگ تأکید می‌کند. او این ایده‌اش را در قالب مفهوم هژمونی بازتعریف می‌کند. گرامشی هژمونی را به یک محتاط همان سلطه می‌داند که با ابزار نرم‌افزاری تحمیل شده که همان سلطه است اما ممکن است طرف مقابل هیچ حس منفی‌ای نسبت به آن نداشته باشد. هژمون یعنی سلطه با کلامی؛ به طور طبیعی هرچه قدرت نرم یک کشور بیشتر باشد امکان بیشتری برای هژمون شدن دارد و هرچه قدرت نرم کاهش یابد، طرف سلطه‌گر مجبور می‌شود برای در قدرت ماندن بیشتر از ابزارهای سخت استفاده کند.

موضوع هژمونی برای ایده غرب و در رأس آن ایالات متحده سال‌ها موضوعیت داشت و برای آن هم نظریه‌پردازی شده و هم ساختارهای متعدد فرهنگی، هنری، رسانه‌ای شکل گرفته است که کمویش هنوز هم پابرجاست و کار می‌کند. اما چرا غرب مجبور است در اتفاقات این سال‌های اخیر قید هژمونی و قدرت نرم را به طور نسبی بزند و هزینه آسیب دیدن آن را بپذیرد یا شد؟

گرامشی در تقریر ایده هژمونی، تکمله‌ای هم دارد و می‌گوید در هر تلاشی برای هژمونیک کردن یک ایده‌ایده مقاومتی شدآن جریان هم شکل می‌گیرد. سال‌ها لیبرال‌ها فرض می‌کردند که ایده مقاومتی ضدهژمون آن‌ها مارکسیسم است. دیوان جنگ‌سرد و کشمکش‌های سخت و نرم آن دوران یادآور این فهم تئوریک از مسئله بود. سال‌هایی که غرب تلاش کرد از مسیر کلایی‌سازی رسانه و فرهنگ در روبنا کار مارکسیسم را تمام کند و باید گفت نسبتاً هم در این امر موفق بود.

اما چرا حالا و در سال ۲۰۲۵ و سی‌وچند سال پس از فروپاشی شوروی، غربی‌ها پرده برانداختند؟ چرا در ماجرایی متل فلسطین به یکباره ایده هژمونی به آخر خط می‌رسد؟

سیدروح‌الله خمینی وقتی در بهمن ۵۷ برای بنا کردن نظمی جدید با حمایت قاطع جمهور مردم پای به تهران گذاشت، چند ایده نو به میدان آورد. اول، مردم‌سالاری دینی به عنوان گرانیگاه حفظ جمهوریت و اسلامیت نظام نوپا و دوم، ایده احیای مسئله فلسطین به عنوان موتور پیشران برای جوشش اسلام‌گرایان خمود آن زمان. انقلاب اسلامی و امام با این دو ایده در نظر و عمل، بازی دوقطبی شرق و غرب را به چالش کشیدند. امام از یکسوار عقلانی سخن می‌گفت که خلأ لیبرالیسم بود و با برابری ماتریالیستی چپ در جهان‌بینی و الهیات تفاوت ماهوی داشت. از سوی دیگر از همان روز نخست پای دموکراسی دینی ایستاد. طرحی که دموکراتیک‌بودنش، پانتئیسم‌تمثیل گفتمان چپ بود و اسلامی‌بودنش، وجه ممیزه با دموکراسی‌های کلایی‌سازی شده غربی. در منطقه‌ای که آمریکا برای سرسبز کاشتن باید به دنبال دیکتاتوری است یا پیگیر انتاریسم، در انداختن طرحی نو یک ضربه کاری و مصداق تعبیر والرینه یک رویا برای آن‌ها بود.

در بعد فراملی هم، به‌هم زدن کمپین فراموشی فلسطین که با کمپ‌دیویدها در حال انجام بود، گفتمانی نو پدید آورد که تا همتر اکتیر امتداد داشت و دارد. امروز به جرئت می‌توان گفت اگر امام و امت انقلابی ۵۷ نبودند، پروژه آمریکایی-صهیونیستی انسان‌زدایی در منطقه سال‌ها قبل پیروز شده بود و همه پروژه‌های صهیونیست‌ها از جمله تجزیه قدرت‌های منطقه‌ای متل ایران محقق شده بود.

حضرت روح‌الله نرم‌افزاری را در سال ۵۷ به منطقه آورد که تنها مطحیاتی غیرمتعارف را دچار چالش جدی کرد و خلف صالح او تا امروز، هم آن نرم‌افزار را حفظ کرده و ارتقا داده است و هم مناطق سخت‌افزاری آن را در حد وسع فراهم آورده و غرب را به نقطه‌ای رسانده که مجبور است به دوران استعمار کهنه ارتجاع کند و هژمونی را فراموش کند و ساز سلطه را کوک کند.

برش

چرا بلاگرهای زرد به شکلی قارچ گونه رشد می‌کنند؟

سودای پول و عطش دیده شدن

این روزها وقتی وارد شبکه‌های اجتماعی می‌شویم، با انواع بلاگرها و محتوای تبلیغاتی مواجه می‌شویم که نه‌تنها برای جامعه مفید نیستند بلکه مضرات آنهایی تواند تا سال‌های آینده را تحت تأثیر قرار دهد. هرچند شبکه‌های مجازی می‌توانند فرصتی برای آموزش، افزایش یادگیری و انتقال اندیشه‌های علمی، متعالی و مفید باشند، اما در سال‌های اخیر شاهد افزایش بلاگرهای بی‌محتوا و دروغ‌پرداز هستیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، بسیاری از افراد در این مدت به‌منظور افزایش درآمد و دیده‌شدن، دوربینی به دست گرفته و بدون تفکر، علم و معرفت‌لازم به تولید محتوا می‌کنند. حتی برخی از آنها محتوای تبلیغاتی در زمینه پزشکی و روان‌شناسی به مردم ارائه می‌دهند که این امر به گمراهی مخاطبان منجر می‌شود. البته در بسیاری مواقع شاهد تمسخر و انتقادات گسترده از سوی مخاطبان هستیم، اما نکته حائز اهمیت این است که چرا مردم با وجود آگاهیون از این مضرات و نادرست‌دانستن این محتواها باز هم در شبکه‌های مجازی این به‌اصطلاح بلاگرها را دنبال می‌کنند؟!

توسعه ویروس فضای مجازی در میان نوجوانان

در این راستا، مجید ابهری، جامعه‌شناس درباره افزایش بلاگرها و انتشار غیراصولی و محتوای نامرتبت در فضای مجازی اظهار می‌کند: «با توجه به گسترش بدون آموزش ویروسی استفاده ازفضای مجازی امروز شاهد توسعه ویروس فضای مجازی به‌خصوص در میان نسل Z هستیم» وی می‌افزاید: «بدون آموزش و هرگونه بردباری در مسیر فراگیری به‌طور متعلق و علمی امروزه هرکس به خود اجازه می‌دهد در توسعه این فضای مجازی و نمایش خود قدم بردارد.» این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: «شاید مقصرین اصلی والدین و نهادهای آموزشی باشند که فرزندان و نوجوانان خود را نادیده می‌گیرند و آنها را نیز برای دیده‌شدن دست به هر کاری می‌زنند.»

شاهد ظهور بلاگرهای دروغ‌پرداز هستیم

ابهری عنوان می‌کند: «موج جدید اخبار زرد باعث شده بلاگرها که تا چندی پیش فقط با قصد کسب درآمد حرکت می‌کردند، امروزه فضای خالی جامعه را پر کرده و به خود اجازه دهند با بیان اخبار نه چندان واقعی حرکت کرده و یا توجه به رقابت نسالم و سیاه ذیل برخی از گروه‌ها در نسل Z شاهد ظهور بلاگرهای دروغ‌پرداز هستیم.» وی یادآور می‌شود: «این بلاگرهای بدون محتوای متناسب برای عقب‌نماندن از کاروان فضای مجازی هر مسأله‌ای را بدون توجه به آثار و عواقب گسترش آن در جامعه منتشر و منتقل می‌کنند.» این جامعه‌شناس تأکید می‌کند: «این بلاگرهای بی‌محتوا بی‌برای درجهت تولید روان‌شناسی زرد فالگیری، دروغ‌پردازی و حرکت‌های کلاب فرهنگی قدم برمی‌دارند.»

نهادهای متولی هم به حریق‌های جدید تبدیل شده‌اند

ابهری خاطرنشان می‌کند: «نهادهای متولی به‌جای کنترل و آموزش حرکت‌های اصولی و متعلق، خود نیز به حریف جدیدی تبدیل شده و در راستای رقابت‌های نسالم به راه افتاده‌اند.» وی گوید: «مرواقی نهادهای متولی به‌دلیل کمبود سرگرمی‌های رایگان و ارزان، باعث شده‌اند که افراد بیشتر وقت خود را در فضای مجازی صرف کنند و خودبه‌یک رقیب جدید در این زمینه تبدیل شوند.»

نبود سرگرمی سالم، بلاگر بی‌ریشه را ایجاد کرد

این جامعه‌شناس یادآور می‌شود: «نهادهای آموزشی به‌ویژه در مسیر تولید سرگرمی‌های سالم و متیت قدمی برنداشته‌اند و همین مساله موجب ظهور بلاگرهای بدون ریشه شده است.» ابهری تأکید می‌کند: «اگر بپذیریم از این در حوزه آموزش و تولید سرگرمی‌های سالم تاخیر صورت گیرد، در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد ظهور نسل‌های هرج‌ومرج‌طلب و آنارشیسم فرهنگی خواهیم‌بود.»

مردم چرا بلاگرهای بی‌محتوا را دنبال می‌کنند؟!

او در مورد این که چرا مردم با وجود آگاهی از این که این بلاگرهای بی‌محتوا هیچ فایده‌ای برای آنها ندارند، همچنان به‌دنبال کردن آنها ادامه می‌دهند، توضیح می‌دهد: «رقابت در فضای مجازی باعث شده است کسانی که سرگرمی‌های چندان جذابی ندارند به این عرصه ورود پیدا کنند.

آنها با دنبال کردن بلاگرهای مشابه، به‌ویژه در زمینه مرزاور، به یک قطب دیدبه‌دروغ‌پردازی و ترغیب دیگران برای ورود به این حوزه تبدیل می‌شوند.» این جامعه‌شناس با بیان این که همه این عوارض و آسیب‌ها ناشی از فقدان و ضعف کنترل و نظارت اصولی است، ادامه می‌دهد: «کنترل اصولی این نیست که با ساختن‌های بدون هدف، بخواهیم آشفتگی را به این جامعه تحمیل کنیم.» ابهری می‌افزاید: «بلکه با توجه به نیوز و انتکارات نوجوانان و جوانان ایرانی می‌توان میدان را برای رقابت‌های سالم و تولید محتوای علمی آماده کرد.»

تاثیر محتوای نادرست فضای مجازی بر سبک زندگی

این جامعه‌شناس درباره تاثیر محتوای نادرست در فضای مجازی بر سبک زندگی افراد به‌ویژه کودکان و نوجوانان توضیح می‌دهد: «هرگونه تفکرات و نگاه‌های جدید در مسیر زندگی امروزی باعث تولید و حتی باز تولید محتواهای غیراولی می‌شود که تکرار این شرایط خود آشفتگی و گرفتاری‌های فکری و نظری را بیشتر کرده است.» ابهری با تاکید بر این که انتشار محتوای نامناسب موجب گسترش تضادهای فکری و اختلافات نسلی و میان‌نسلی می‌شود، عنوان می‌کند: «برخی از بلاگرهای جوان با انتقال بدون تفکر اندیشه‌های نامناسب باعث گسترش و توسعه روزافزون در میدان تاملیدن می‌شوند و به همین علت تولید و باز تولید افکار جدید خود به رقابت نسالم و غیراصولی و دور از متعلق می‌انجامد.»

جامعه فکری باید از این آشفتگی نجات یابد

وی همچنین درباره راهکارها در جهت آگاهی‌بخشی به افراد برای دنبال‌کردن و تولید محتوا در فضای مجازی اظهار می‌کند: «طلاع‌رسانی و آماده‌سازی تفکرات نوجوانان و جوانان در راستای تقویت و گسترش حرکت‌های متعلق و اصولی و انتخاب گزینه‌های جالب و سالقانه می‌تواند جامعه فکری ما را از این آشفتگی و بلبشوی نظری نجات دهد.»

**این جامعه‌شناس یادآور می‌شود: «هر غیر صورت روزه‌بر روز میزان آشفتگی‌ها افزوده شده و اگر دیرتر از این حرکت کنیم، تا مدتی بسیار کوتاه شاهد جنگ تفکرات و خلع‌سلاح اندیشه‌دشمن خواهیم بود که در آن هنگام دیگر کاری از کسی ساخته نخواهد بود.» ابهری ادامه می‌دهد: «راه الگوهای متناسب و تولید زنجیره‌های آموزشی بصورت کلاسیک و مکرر می‌تواند بخشی از جامعه را به‌سمت گزینش درست اندیشی و نگاه‌های متعلق تبدیل خواهد کرد.» وی خاطرنشان می‌کند: «هر غیر این صورت امنت کوتاهی دیگر شاهد مغلوب‌شدن جنگ بین درست‌اندیشان و کج‌اندیشان خواهیم بود که این وضعیت به نسل‌های وارداتی انتقال یافته و جامعه را در مسیر کج‌اندیشی هدایت خواهد کرد.»

نوای موسیقی فجر با بیش از ۱۱۰ اجرا طنین‌انداز می‌شود

با همکاری
معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
بنیاد فرهنگی هنری رودکی
انجمن موسیقی ایران
دفتر موسیقی ارشاد

بخش‌های اجرا
ارکستران | ردیف دستگاهی | موسیقی نواحی
اقوام | موسیقی بانوان | موسیقی بین‌الملل
ترکیه، هلند، اسپانیا، تونس، ارمنستان و هند

زمان اجرا
۲۳ الی ۲۹ بهمن

چهلمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر
ISNA

دیدگاه

حالا و پشکیان چه می‌کند؟

حال که احتمال انجام مذاکرات با رسیدن به توافقی برای رفع تحریم‌ها هم به حداقل رسیده، دولت باید آیا تا دولت برنامه‌های خود را برای عبور از این وضع در شرایط تحریمی با روشنی و شفافیت تمام و بدون رودربایستی با جامعه در میان بگذارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا هر دولتی برای دستیابی به موفقیت و ایجاد امید در جامعه به یک نقشه راه نیازمند است تا براساس آن برنامه‌ها هم تکلیف خودش و هم دورنمای آینده برای مردم روشن باشد. الزاماً این سخن بدین معنا نیست که برای آرامش روانی جامعه مرتب به آنان امید بدهد یا از سختی و دشواری راه نگوید و به نالهگذاری روی آورد و خود را دست به فرض کند یا شیرین صحبت کند و وعده‌های خوب بدهد و به امر موفق روی آورد.

رئیس جمهوری پزشکیان به اجرا زیست انقلابی و منزه و صفات اخلاقی و صفای باطنی که دارد به بی‌مداهنه و بیرده پوشی چندین و چندبار و در هر فرصتی از نیاز کشور به انجام اصلاحات ساختاری و از خطر رشد نارازی‌ها صحبت کرده و تمامی تلاش خود را هم برای پایان دادن به منافشات سیاسی و کاهش دعواها و اختلافات و لزوم وفاق به کار گرفته؛ اما در همین مدت کمتر از ۶ ماه تقریباً همه در یافته‌ایم و دریافته‌اند که این همه به تنهایی کافی نیست. هر لحظه تأخیر در انجام اقدامات سخت نه تنها بر دامنه بحران‌ها خواهد افزود بلکه حتی همین سرمایه اجتماعی را که او با آمدنش فراهم آورده در معرض خطر قرار خواهد داد.

این روزها شاهد رشد تورم به ویژه در بخش مواد خوراکی و برخی محصولات صنعتی و کشاورزی و سید مصرفی خطوار هستیم. به همین نسبت بخش خدمات هم خود را مطابق تورم و حتی بالاتر از تورم هماهنگ کرده است. در بخش درمان و دارو هم شاهد کاهش تعهدات بیمه‌ای و افزایش سهم بیمار در هزینه‌های درمان هستیم.

نوسانات دلار و طلا هم چه درست و چه نادرست سیگنال‌های مثبتی به بازار و فضای کسب و کار نمی‌دهد و بودجه دولت هم همچنان کسری قابل توجهی دارد. حل که احتمال انجام مذاکرات یا رسیدن به توافقی برای رفع تحریم‌ها هم به حداقل رسیده بیش از هر زمان دیگری نیاز است تا دولت برنامه‌های خود را برای عبور از این وضع در شرایط تحریمی با روشنی و شفافیت تمام و بدون رودربایستی با جامعه در میان بگذارد و جامعه و فضای کسب و کار را از حالت انتظار و ابهام خارج کند. همه می‌دانیم که نیازمند اتخاذ تصمیمات سخت هستیم و همین طور برنامه و راه حل برای عبور از این مرحله کمتر از دو ماه دیگر سال جدید از راه می‌رسد و بودجه هم در حل چکش‌کاری در مجلس است.

کلیاتی از بودجه را همگان می‌دانیم، اما نه همه آنچه را که باید بدانیم و همگان بدانند از همه مهمتر این که دولت باتوجه به شتاب تورمی که در ماههای اخیر داشته‌ایم و مضایق درآمدی و بودجه‌ای و فاصله معنادار درآمد و هزینه خاطوار در بخش کارمندی و کارگری، چه سرنوشتی برای حقوق و مزایای آنان در نظر گرفته است؟ یادمان نرود همان طور که بارها گفته شد سفره این قشر عظیم که یک سوم جامعه را در بر می‌گیرد هر سال کوچک‌تر شده و فشار معیشتی بر آنان جدای اثرات سوئی که بر کارآیی و سلامت حرفه‌ای و خدمت‌رسانی بخش اداری جامعه برجای می‌گذارد، با فشار بر بخش تقاضای کل و پایین آوردن قدرت خرید بخش مهمی از جامعه، بخش تولید را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به ضرر و زیان این بخش و کاهش اشتغال و خالی ماندن ظرفیت در بخش تولید خواهد شد.

گرچه هنوز عمر دولت به ۶ ماه هم نرسیده و شاید آنچه همه اصلاحات ساختاری در این فاصله کوتاه، مطالبه‌ای غیرمنطقی و نامنصفانه است اما نگرانی از آن است که این دولت همانند دولت‌های گذشته هرچه که بگذرد، جسارت کمتری نسبت به انجام آن پیدا کند و هر غده سرطانی که به جان اقتصاد افتاده بیش از آنی درشت و سخت شود و بر دامنه بحران و بیماری بیفزاید. تا به حال از زبان دکتر پزشکیان عزیز که آزوبمان سربلندی و موفقیت اوست به درستی از نارازی‌ها، مشکلات و بحران‌هایی که وجود دارد و اغلب می‌دانستیم، خوانده و شنیده‌ایم اما حال در آستانه چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب و جشن سالگرد پیروزی این نهضت بی‌بدیل و راهبیابی بیعت هم سه ساله آب، باید از زبان اولو و یاران و همراهانش در دولت وفاق، اینکه چه باید کرد و چه برنامه‌ای در سرازیم بشنیم.

حتی اگر اتخاذ تصمیمات سخت و تلخ باشد، مردم فهیم ما نشان داده‌اند که اگر صدق و صفا و راستکرداری و صداقت ببینند و عدم تبعیض و شفافیت و خدمت بی‌منت همراهی خواهند کرد به شرطی که این سختی و دشواری اولاً دوران کوتاهی داشته باشد برای پایان بخشیدن و اتمام سختی مدام و ثانیاً صبر و تحمل فقط شامل ضعیفان و بی‌پناهان و طبقات فقیر و مستضعف جامعه که همیشه سنگ زیرین آسیاب بوده‌اند و نیز طبقه متوسط نیز کرده به طبقه محروم جامعه و در یک کلام اکثریت جامعه نباشد و نیز فرصت دیگری برای چاق‌تر شدن اقلیتی که همواره در سایه تورم سفره‌های رنگین‌تری پیدا کرده‌اند، فراهم نیاورد.

فتح الله جوادی

فراخوان مزایده عمومی یک مرحله ای فروش "زمین به مساحت ۱۰۳۴ با کاربری مسکونی واقع در عظیمیه کرج"

جمهوری اسلامی ایران
وزارت نیرو
شرکت آب منطقه ای البرز

شرکت آب منطقه ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مزایده عمومی یک مرحله ای فروش "زمین به مساحت ۱۰۳۴ با کاربری مسکونی واقع در عظیمیه کرج" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مزایده از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد همزمان با درج آگهی مزایده در روزنامه می باشد. اطلاعات و اسناد مزایده و برنامه زمانبندی فرایند ارجاع کار از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار: کرج - مهرشهر - بلوار امام خمینی(ره) - روبروی مصلی - خیابان بوستان - شرکت سهامی آب منطقه ای البرز - کد پستی ۳۱۸۶۷۱۷۵۹۸ - تلفن ۳۲۰-۳۱۰-۰۲۶۳۳۳۳۳۳۰۰
اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۷۳۱۳۱۳۱
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷-۰۲۱-۸۵۱۹۳۷۶۸
شناسه آگهی: ۱۸